

دانلود رایگان جزوه حقوق مدنی 4

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

نمونه متن جزوه:

پس مالک مکلف است هزینه ها و مخارجی که لازم بوده و توسط اداره کننده صورت گرفته را پرداخت بکند.

از کجا بفهمیم کدام مخارج لازم و کدام مخارج غیر لازم است؟ - مخارج لازم را عرف تشخیص میدهد. - دادگاه ها میتوانند برای اینکه تشخیص بدهند کدام خرج لازم بوده و کدام غیر لازم، به کارشناس هم مراجعه بکنند و نظرات کارشناسی را مطالبه بکنند.

امکان دارد اداره کننده برای هزینه های لازمی که انجام میدهد، متحمل یکسری خسارت و ضرر و آسیب بشود، آیا میشود این خسارات وارد شده را هم مطالبه کرد؟ بله- طبق قاعده احسان. وقتی اداره کننده به قصد خوبی، آمده و برای جلوگیری از ضرر به مال شما کاری انجام داده، ولی باعث ضرر رسیدن به خودش شده، آن ضرر باید جبران بشود.

آیا اداره کننده، میتواند در مقابل خدمتی که انجام داده، اجرتی را مطالبه بکند؟ یعنی اگر من برای ایزوگام کردن خانه ی شما هزار تومان هزینه بکنم، بعد بگویم که یک روز وقت گذاشتم، پس هزار تومان اجرت آن روز من میشود، آیا این را میتوانم مطالبه بکنم؟ چون فلسفه اش احسان است، اداره مال غیر یک عمل تبرعی و مجانی است و ما نمیتوانیم در مقابل آن حق و حقوقی را از طرف مطالبه بکنیم.

اثر اداره نسبت به اشخاص ثالث :

نماینده از مالک :

اگر شخصی اقدام به اداره مال غیر بکند، و این شخص به واسطه این اداره، تعهداتی را در قبال اشخاص ثالث متعهد بشود، آیا این تعهدات ارزش دارند یا خیر؟

ما گفتیم تصرفات اداره کننده مال غیر، قانونا مجاز است و دقیقا مثل تصرفات وکیل است. حالا آیا اقدامات وکیل از ناحیه موکل در مقابل اشخاص ثالث موثر بود یا خیر؟ در بحث وکالت، در حدود ادنی که وکیل از موکل خودش دریافت کرده، تعهداتی که میدهد، به عهده خود موکل خواهد بود. یعنی اگر من وکیل شما هستم در فروش ماشین شما، وقتی ماشین را میفروشم، شما متعهد میشوید که سند را تنظیم بکنید.

باین فرض، در رابطه با بحث اداره مال غیر، باید این فرض را در نظر بگیریم که اداره کننده برای اداره مال غیر، انجام

قرارداد و تعهد در مقابل شخص ثالث لازم بوده. مثل اینکه من ایزوگام کار نباشم و خانه شما نیازمند ایزوگام هست، باید بروم با یک ایزوگام کار قراردادی ببندم که پول این شخص را مالک باید پرداخت بکند. اگر من پرداخت کرده باشم، میتوانم از شما پس بگیرم به این دلیل که در حدود اداره مال غیر بوده.

این اذن در عقد وکالت با توفیق می آید ولی این اذن طبق یک قاعده است که میگوید اگر در یک چیزی اذن بدهیم، در ملزوماتش هم اذن داده ایم. من اگر حق استفاده از ماشین را به شما دادم، حق این را دادم که رانندگی بکنید. اگر به شما اذن دادم که از آب چاه زمین کشاورزی من استفاده بکنید، حق بردن آب از زمین خودم تا زمین شمارا هم دادم.

پس فرض متصور است : - یک موقعی اداره کننده مال غیر، تعهداتی که داده، برای اداره مال غیر لازم نیست. که در اینجا برای مالک هیچ تعهدی بوجود نمی آید. - یک موقعی اداره کننده مال غیر، تعهداتی که داده، برای اداره مال غیر لازم است .

که در اینجا، مالک نسبت به شخص ثالث متعهد خواهد شد.

عدم مسئولیت اداره کننده :

ما در حقوق، نوع ید داریم : - ید امانی. - ید ضمانتی.

ید ضمانتی موقعی است که طرف، مسئول مالی است که در دستش است چه تعدی و تفریط کرده باشد و چه نکرده باشد. مثل ید غاصب.

اما ید امانی، طرف مسئول تلف یا نقص مال نیست. مثل وکیل، امین. مگر زمانی که دچار تعدی یا تفریط تقصیر شده باشد.

چون با این تعدی و تفریط، ید امانی دیگر ید امانی نیست و تبدیل به ید ضمانتی شده است و دیگر مشمول ماده نخواهد بود.

ماده ق.م.

ما در امانت، عنصر سپردن را داریم. اینجا، مالک مال را به کسی نسپرد که بخواهد ید، ید امانی باشد.

امانت تقسیم بندی های متفاوتی میتواند داشته باشد و ما دو نوع امانت داریم: - امانت قانونی. - امانت قراردادی.

امانت قراردادی ناشی از عقد امانت است، یعنی به واسطه ی یک عقدی ما یک مالی را به طرف می‌دهیم. مثل عقد وکالت که مالی را به وکیل می‌دهیم و او امین میشود.

امانت قانونی، به واسطه حکم قانون است. نگهداری و اداره مال غیر یک امانت قانونی و به حکم قانون است.

زمانی که ید امانی تبدیل به ید ضمانتی میشود و از شمول ماده خارج میشود، مورد است:

- اگر مالک یا نماینده مالک، وی را از عمل اداره منع کرده باشد.

- اگر تحصیل اذن مالک، به موقع پیش از ورود ضرر به او مقدور بوده باشد.

- اگر تاخیر در امر اداره موجب ضرر مالک نباشد.

- اگر مدیر مال غیر، مال را در غیر غیبه و صلاح مالک به کار برده باشد.

- اگر مدیر پس از اقدام به اداره، در اسرع وقت ممکن، اقدام خود را به اطلاع مالک نرسانده باشد.

علت اینکه این مورد از شمول ماده خارج میشود، این است که از مصادیق تعدی و تفریط هستند و موجب مسئولیت اداره کننده است.

غصب:

غصب ریشه در فقه امامیه و احکام شرعی دارد. موادی که در ق.م در رابطه با غصب است، از ماده تا می باشد.

تعریف غصب:

ماده ق.م: غصب استیلابر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات یدبر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.

طبق ماده، شرط برای تحقق غصب وجود دارد: - استیلاء. - برحق غیر. - به نحو عدوان.

- استیلاء:

منظور از استیلاء، تصرف است. یعنی برای اینکه غصب اتفاق بیوفتد باید بر حق دیگری یک تصرفی وجود داشته باشد. اما این تصرف میتواند تصرف حقوقی باشد و میتواند تصرف مادی باشد.

آیا تصرف حقوقی و مادی، هر دو غصب تلقی میشوند؟ یا صرفا یکی از آنها مشمول غصب میشود؟

تصرف حقوقی مثل اینکه من مال شما را بفروشم / اجاره بدهم / هبه بکنم.

ماده ق.م: هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مانع شود بدون آنکه خود او تسلط بر آن مال پیدا کند غاصب محسوب نمی شود لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب ضامن خواهد بود.

از این ماده، میتوانیم برداشت بکنیم که استیلاء و تصرف، صرفا باید تصرف مادی و عملی و فیزیکی باشد.

پس تصرفات حقوقی، به هیچ وجه مشمول غصب نمیشوند.